

## پیشگفتار

فلسفه در نظر اندیشمندان یونان معنایی بسیار کلی داشت و هر نوع فعالیت عقلانی را شامل می‌شد. در آن روزگار فلسفه همه زمینه‌های علم را دربر می‌گرفت و به مثابه پیشاهنگ تمام پیشرفتهای علمی و عقلی، شکوه و عظمتی بسیار داشت. به گفته ویل دورانت در آن روزگار تواناترین مردان برای جان‌سپاری در راه فلسفه آماده بودند؛ چنان‌که سقراط شهادت در راه فلسفه را بر گریز از برابر دشمنان آن ترجیح داد. افلاطون دو بار جان خود را به خطر انداخت تا دولتی مبتنی بر حکمت و فلسفه تشکیل دهد. مارکوس اورلیوس آن را از تاج و تخت خود بیشتر دوست داشت و برنو به خاطر وفاداری به فلسفه زنده به آتش افکنده شد.<sup>۱</sup> روزگاری بود که پادشاهان و غالب مردان کلیسا از فلسفه می‌هراسیدند و برای حفظ حکومت، پیروان آن را به زندان می‌افکندند. آتن، پروتاگوراس را از خود براند و اسکندر به در برابر هیپاتیا به لرزه درآمد. دیونوسیوس و پسرش حکومت سیراکوز را به افلاطون پیشنهاد کردند و کمک شاهانه اسکندر به ارسطو، این دانشمند بزرگ تاریخ را در برابر دشمنان پشتیبانی کرد.<sup>۲</sup> در آن روزگار فلسفه محترم بود و چیزی شریف‌تر از دوست داشتن حقیقت نبود. با پیشرفت و توسعه دانش، فلسفه تحول بسیار یافت و هر چند دایره شمول آن محدود به متافیزیک شد، اما از اهمیت آن کاسته نشد. در شرق مسلمانان با استفاده از میراث فلسفی یونان و بهره‌گیری از آموزه‌های دین اسلام، دستاورد گرانبهایی به نام فلسفه اسلامی پدید آوردند؛ با فزونی یافتن اندیشه فلسفی،

---

۱. لذات فلسفه، ص ۳.

۲. همان‌جا.

این علم در غرب، شاخه‌هایی تخصصی یافت و فلسفه‌های ترکیبی و کاربردی مانند فلسفه‌های اخلاق، دین، هنر، علم و معرفت پدید آمد.

با وجود آنکه در قرون معاصر، دایره شمول فلسفه نسبت به معنای قدیم تنگ‌تر شده، همچنان جایگاه رفیعی در میان معارف بشری دارد و به گفته بسیاری از اندیشمندان، «ملکه علوم» نامیده می‌شود. امروزه نیز همچون گذشته فلسفه موضوعی حاشیه‌ای و مجرد نیست، بلکه نقشی حیاتی در تثبیت پایه‌های علم و فرهنگ هر جامعه داشته، در رأس علوم قرار دارد. هر متفکری با توجه به رویکرد خاص خود تعریفی ممتاز برای فلسفه قائل است. برتراند راسل فلسفه را پیش‌درآمدی ضروری برای علم می‌داند و در مقابل، بسیاری از پوزیتیویستهای منطقی معتقدند کار اصلی فیلسوف بهره‌گیری از روشهای رایج علم برای کشف بیشتر دلایل منطقی و دستیابی به عالی‌ترین وجوه آن است. اگر زیست‌انسیالیست‌ها فلسفه را مبین وضعیت و جایگاه انسان می‌دانند؛ وظیفه فیلسوف تحقق نافذ وجود بشر و توصیف روشهای اصیلی است که انسانها از طریق آن با یکدیگر و جهان پیرامون ارتباط برقرار می‌کنند. طرفداران فلسفه تحلیلی می‌گویند فلسفه باید به تحلیل زبان محدود شود و بسیاری از مارکسیست‌ها فلسفه را مجموع ایدئولوژیهای منظمی می‌دانند که ضامن بقای قدرت و امتیازات طبقه حاکم‌اند. جان دیوئی یکی از بنیان‌گذاران مکتب پراگماتیسم، وظیفه اصلی فیلسوف را تحلیل و ارزیابی جامعه برای پیشبرد و توسعه آن می‌داند و می‌گوید فلسفه باید ابزاری باشد برای ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی.

به هر حال هر کدام از مکاتب با توجه به سیاق فکری خود تعریفی از فلسفه دارند و آن را شاهره‌ای ارتباط با مسائل و موضوعات فکری زمان خود می‌دانند. کتاب حاضر مروری اجمالی بر سیر تفکر فلسفی دو هزار و پانصد ساله بشر است؛ نمایشی مجمل از پدیدآورندگان فلسفه در طول تاریخ که اندیشه فلسفی بشری را تا زمان حاضر جان بخشیدند و برای حفظ حکمت و دانش به مبارزه با اصحاب جهل و نادانی برخاستند. بی‌شک مطالعه تاریخ فکر و اندیشه برای هر انسان خردمندی شیرین و شنیدنی است. از سوی دیگر آگاهی از بلندای شکوه و عظمت دانش بشری

و ارزیابی استدلالها و داعیه‌های فلسفی دو هزار ساله گذشته نه تنها برای شناخت فرهنگ و هویت بشر اهمیت دارد، بلکه الهام‌بخش برای یافتن پاسخ بسیاری از موضوعات امروزی بشر خواهد بود.

مورخان، یونان را، مهد و گهواره فلسفه می‌دانند. هر چند یونانیان اصول و مبانی فلسفه را از ملل متمدن باستانی مشرق زمین یعنی ایران، هندوستان، مصر، سوریه و کلمه دریافت نمودند، اما توانستند با ذوق و سلیقه و متأثر از فضای اجتماعی خود آن را در قالب تحقیقات منطقی درآورند و نظم و سامان بخشند که نتیجه و دستاورد ارزشمند آن منشأ تفکرات و اندیشه‌های بعدی بسیاری از ملل، حتی ملل مشرق زمین شد. بدین سبب بخش اول کتاب با تاریخ فلسفه غرب شروع شده و در آن مهم‌ترین فلاسفه غرب از دوره پیش از سقراط تا عصر حاضر معرفی شده است. بخش دوم به بررسی سیر اجمالی فلسفه اسلامی اختصاص دارد؛ فلسفه‌ای که هر چند منشأ آن از یونان بود، اما در بستر فرهنگ اسلامی و جریانات فکری مسلمانان به حرکتی پویا و خلاقانه با هویتی مستقل، ضمن تکرار در مکاتب در معنای عام به فلسفه اسلامی تبدیل شد. در این بخش از کتاب، فلاسفه اسلامی با توجه به مشارب و مکاتب آنها از آغاز تکوین تا زمان حاضر، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تلاش بر این بوده است تا درباره هر کدام از فیلسوفان شاخص با ذکر توضیح اجمالی از زندگی و آثار اصلی و تأثیرگذار و نیز شرح مختصری از ایده‌های کلیدی و اصلی آنان، تصویری کلی در ذهن خواننده نمایان سازد. با وجود اختصار و اجمال مطالب سعی شده است پیوستگی و انسجام سیر تحولات فلسفه لحاظ شود و در سایه نمایش تأثیر و تأثر فلاسفه از یکدیگر، رشته متصل اندیشه فلسفی بشر در گستره تاریخ، برای خواننده بازتابانده شود.